

رویداد علمی اشتراک گذاری تجارب و ایده ها

درباره رویداد

رویدادهای علمی اشتراک گذاری تجارب و ایده‌ها بحث‌های مرتبط با تجربیات و ایده‌های جامعه علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی را شامل می‌شود. دامنه موضوعی این رویدادها در برگیرنده نتایج طرح پژوهشی، تجارب سفرهای علمی، فرصت‌های مطالعاتی، مقالات علمی پژوهشی و تجارب زیسته می‌باشد که در یک فضای گفتمانی به اشتراک و بحث گذاشته شده و بر مبنای آن درس آموخته‌های برای نظام آموزش عالی ایران ارائه می‌شود.

تهیه و تدوین:
حامد کمالی
آرمیتا قربان شیرودی

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی،
معاونت پژوهشی، سال اول، شماره سوم، آبان
ماه ۱۳۹۸



WWW.IRPHE.IR ، WWW.IRPHE.AC.IR

آدرس: ایران - تهران - خیابان نلسون ماندلا
(آفریقا) - کوی گلغام - پلاک-۷۰

تلفن: ۱۷-۲۲۰۱۰۶۱۶-۲۱ (۹۸)
نمابر: ۲۶۲۰۳۵۹۶-۲۲۰۵۰۳۳۸

موسسه پژوهش و برنامه ریزی
آموزش عالی

**قدوین نظام مسائل آموزش عالی ایران؛
عرضه یک تجربه پژوهشی**



**احمدعلی یزدان پناه: عضو هیات علمی موسسه
پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی**

اغلب، پژوهش و سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران، بدون توجه به نظام مسائل آن و بر اساس ساختار بخشی و جزیره‌ای زیرنظام‌ها و حوزه‌ها صورت می‌گیرد و لزوماً متعهد به در نظر داشتن دستورکارگذای مطالعات و پژوهش براساس نقشه راه سیاست‌پژوهی مبتنی بر نظام مسائل نیست. یکی از ماموریت و رسالت‌های موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی؛ شناسایی، صورت بندی، و واکاوی مسائل است تا بتواند بسته های دانشی و سیاستی را جهت بهبود وضعیت موجود آموزش عالی ارائه دهد. پیش نیاز دست یابی به این مهم؛ شناسایی مسائل است که می بایست در قالب یک سلسله گفتگوهای نقادانه با هدف تبادل افکار و جلب نظرات اتفاق بیافتند. طبعاً مسائل شناسایی شده در مواجهه با وقایع مختلف و گذران زمان تغییر خواهند کرد. از این رو، تلاش سیاستگذاران آموزش عالی فراهم آوردن امکان رسیدن به وضعیت مطلوب است. از طرفی، در فرآیند برنامه ریزی راهبردی نیز یکی از گام‌های اساسی؛ شناسایی مسائل است. امید است به کمک این گزارش و با رصد، تحلیل، گفتمان سازی، و مطالبه‌گری در باب مسائل آموزش عالی، بستر لازم برای تدوین برنامه‌ریزی های بلند مدت و استراتژیک فراهم گردد.

منابع شناسایی مشکلات و مسائل آموزش عالی کشور

در تحقیقی، برای شناسایی مسائل حوزه علوم، تحقیقات و فناوری با برداشت و تحلیل محتوی کیفی بیانات مقام معظم رهبری و همچنین اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور شامل؛ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلی علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور و سند دانشگاه اسلامی، ۱۶ مساله به شرح ذیل معرفی و تبیین گردید:

۱. نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور (راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور)، (بند ۱-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری) و (فصل اول، بخش مأموریت‌های سند دانشگاه اسلامی)؛
۲. توجه به مسئله تعامل با کشورهای اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه آموزش عالی، (راهبرد کلان ۹، راهبرد ملی ۱ و ۴ و ۵ ذیل راهبرد کلان ۹، اقدام ملی ۷ و سایر اقدامات ذیل راهبرد کلان ۹)، (بند ۸-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری)، (ماده ۸۰ بند «الف» و «ی» قانون برنامه ششم توسعه) و (فصل ۳ و راهبرد ۱۲ فصل زیرنظام فرهنگی سند دانشگاه اسلامی)؛
۳. ضعف در جهت‌دهی پژوهش‌ها و تولیدات علمی کشور به سمت نقش‌آفرینی در حل مشکلات و رفع نیازهای (اقتصادی، اجتماعی و ...) کشور، (راهبردهای کلان ۳، ۷، ۱۱ و ۱۳، اقدام ملی ۲۱ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی) و (راهبرد ۱، ۲ و ۳ فصل ۷ سند دانشگاه اسلامی)؛

۴. حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، (راهبرد کلان ۱۳ و راهبرد ملی ۱ ذیل راهبرد کلان ۱۳ نقشه جامع علمی کشور) و (بند ۳-۱ سیاست‌های کلی علم و فناوری)؛
۵. مشکلات و ناتوانی‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری در سرمایه‌گذاری و خوداتکایی مالی (راهبرد ملی ۷ ذیل راهبرد کلان ۱، اقدام ملی ۴ و ۱۲ ذیل راهبرد کلی ۷ ذیل راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور)، (بند ۷-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری)، (ماده ۸۰ بند «ه»، «ز» و «ج» قانون برنامه ششم توسعه)؛
۶. مسئله مهاجرت نخبگان و نوآوران علم و فناوری، (اقدام ملی ۱۵ راهبرد کلان ۹)، (بند ۷-۲ و ۴-۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری) و (راهبرد ۱۵ فصل ۵ سند دانشگاه اسلامی)؛
۷. توام نبودن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور با کارکردهای تربیتی، اجتماعی، فرهنگی مصرح در سند دانشگاه اسلامی، (راهبرد کلان ۲ و راهبرد ملی ۱ و ۶ ذیل آن؛ اقدامات ملی ۱۰ و ۱۱ ذیل راهبرد کلان ۵ و اقدام ملی ۲۴ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی)؛
۸. ناکارآمدی نظام ملی آمار و اطلاعات در حوزه علم و فناوری، (راهبرد کلان ۴، راهبرد ملی ۱ و ۶ ذیل راهبرد کلان ۴ و اقدام ملی ۳ ذیل راهبرد کلان ۴) و (بند ۴-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری)؛
۹. عدم گسترش آموزش عالی مبتنی بر آمایش سرزمینی (بویژه تحصیلات تکمیلی)، (راهبرد ملی ۳ ذیل راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ذیل راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ۲۰ ذیل راهبرد کلان ۱۰ نقشه جامع علمی کشور)، (بند ۵-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری)، (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴)، (اصل ۱۰ فصل اصول و مبانی و راهبرد ۷ فصل ۶ سند دانشگاه اسلامی)؛
۱۰. ناکارآمدی نظام اجرایی قانون سنجش و پذیرش دانشجویان (بویژه در دوره دکتری)، (اقدام ملی ۶ راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور) و (بند ۲-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری)؛
۱۱. فقدان حمایت، تقویت و توسعه کرسی‌های آزاد اندیشی، (راهبرد ۳ فصل ۶ سند دانشگاه اسلامی)؛
۱۲. مسئله اشتغال دانش‌آموختگان، (بند ۴-۴ سیاست‌های کلی علم و فناوری)، (ماده ۸۰ «بند ح» قانون برنامه ششم توسعه) و (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴)؛
۱۳. کیفیت پایین آموزش‌های نظری، مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی (اقدام ملی ۳۸ ذیل راهبرد کلان ۶، راهبرد ملی ۱ ذیل

راهبرد کلان ۳ نقشه جامع علمی کشور)، ماده ۸۰ «بند ج» قانون برنامه ششم توسعه) و (فصل ۱ سند دانشگاه اسلامی)؛

۱۴. ضرورت توجه به مسئله طراحی، اصلاح و تقویت نظام‌های ملی نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در آموزش عالی، (بند ۳-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری)؛

۱۵. مسئله‌گزینش و جذب اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی کشور (راهبرد ۹ فصل ۶ سند دانشگاه اسلامی)؛

۱۶. استقرار نیافتن نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی (سند دانشگاه اسلامی)؛

در این تحقیق؛ برای بررسی و تحلیل بیانات و اسناد و قوانین بالادستی؛ از ابزار فرم فیش‌برداری و فرم خلاصه اسناد و مدارک استفاده شد و برای این منظور، مراحل چهارگانه؛ بررسی جایگاه مشکل در سند بالادستی، بررسی وضع مطلوب آن در سند بالادستی، بررسی وضع موجود آن، تحلیل شکاف وضع موجود و مطلوب و پیامدها طی گردید. سپس، برای علت‌یابی و مسئله‌یابی مشکلات آموزش عالی، با مبنا قرار دادن مشکلات شانزده‌گانه شناسایی شده فوق به عنوان درگاه ورودی به شناسایی علت‌ها و مسائل آموزش عالی کشور و با تحلیل اسناد (سیاست‌پژوهی‌های پیشین) و قوانین بالادستی؛ با کارگزاران و مدیران متخصص و آشنا به مسائل آموزش عالی کشور، صاحب‌نظران دانشگاهی، پژوهشگاهی و حوزوی مصاحبه به‌عمل آمد. تا مسائل مربوط به هر یک از مشکلات استخراج و دسته‌بندی شود. در انتخاب و گزینش منابع، با بهره‌گیری از شیوه نمونه‌گیری هدفمند، افراد، اسناد و مدارکی که نسبت به پدیده مورد مطالعه، ویژگی‌ها و اطلاعات مفصل و کلیدی دارند، مورد مطالعه قرار گرفت و این کار در مطالعه اسناد و سایر قوانین بالادستی تا حد اشباع نظری و همچنین با مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد.

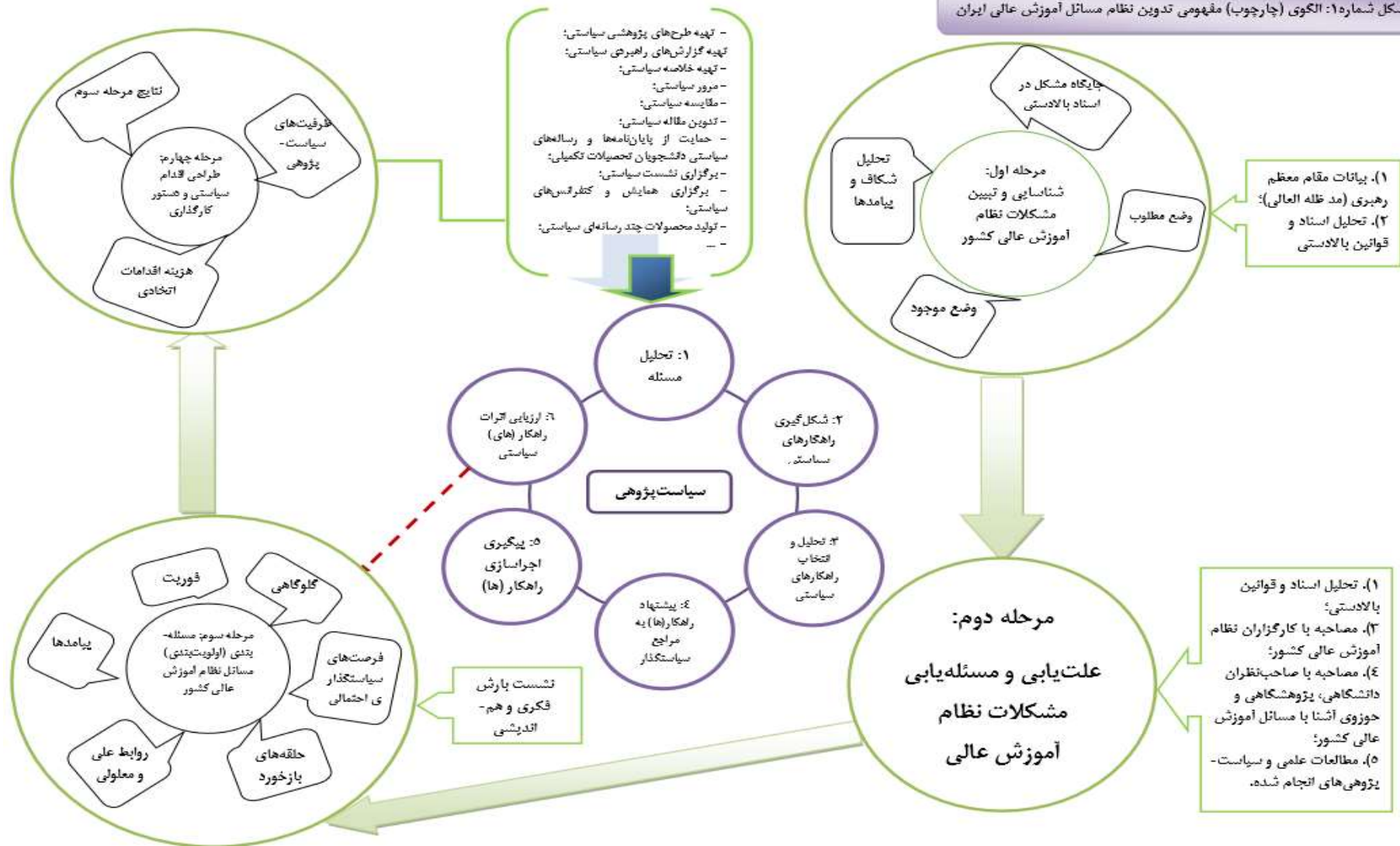
همچنین، برای تحلیل داده‌های کیفی بدست آمده از مصاحبه‌های انجام شده و فیش‌های و خلاصه‌های برداشت شده از منابع مورد نظر، از روش تحلیل محتوا با رویکرد عرفی (یا مرسوم) با رویکرد استقرایی مبتنی بر مدل گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) استفاده شد. تا بر اساس آن، به تعیین واحد تحلیل ۲، مشخص کردن واحدهای تبیینی، مفهوم‌سازی واحدهای تبیینی برای تبدیل به کلمات باز، بازنگری کلمات با متن، مقوله‌بندی مسائل در ذیل مشکلات شانزده‌گانه تعریف گردد. این نتایج، با حضور اعضای هیأت علمی، پژوهشگران و کارشناسان حوزه آموزش عالی، مجموعه مشکلات و مسائل شناسایی شده در نشست‌های بارش فکری و هم‌اندیشی مورد بحث و بررسی و مسئله‌بندی گردید. برای اولویت‌بندی مسائل نظام آموزش عالی کشور؛ از قاعده گلوگاهی بودن (یعنی ۲۰ درصد مسائل، ۸۰ درصد اثرگذاری را دارند) فوریت‌ها، پیامدها،

۱. Graneheim & landman

۲. Unit of Analysis

روابط علی و معلولی، حلقه‌های بازخوردهای و زمینه‌ها و فرصت‌های سیاستگذاری احتمالی در مسائل نظام آموزش عالی بهره‌گیری شد. تا نتایج آن در دستور کار سیاست‌پژوهی‌های آتی و کانون‌های تفکر نهادها و ذینفعان آموزش عالی قرار گیرد. شکل شماره ۱ تمامی مراحل و جزئیات مراحل طی شده در این تحقیق را به نمایش می‌گذارد.

شکل شماره ۱: الگوی (چارچوب) مفهومی تدوین نظام مسائل آموزشی عالی ایران



سوال‌های طرح تحقیق

در کتاب "روند تحولات شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳-۱۳۸۰)" که توسط دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در قالب بیش از ۷۰ نمودار و با استناد به آمار و ارقام منتشر به فرصت‌ها و چالش‌های این حوزه حساس و حیاتی در باره‌ی مسائل و مشکلات این حوزه اشاره دارد. این سند، سند جالبی است که تقریباً شاخص‌های برنامه‌های مختلف توسعه را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. در گزارش حاضر نیز روند سعودی و نزولی کلیه شاخص‌های علم و فناوری را برای پاسخ به سوالات علمی تحقیق به شرح زیر مورد توجه قرار داده است:

۱. عمده‌ترین مشکلات نظام آموزش عالی چه بوده است؟
۲. خواستگاه، علل و ریشه مشکلات به چه مسائلی بر می‌گشت؟
۳. مسائل شناسایی شده چگونه باید مساله بندی یا اولویت بندی شود؟
۴. آیا همگان به وجود این مسائل در آموزش عالی اعتراف داشته‌اند؟
۵. شما به‌عنوان صاحب نظر در آموزش عالی با حذف، پذیرش یا بازتعریف کدام مسئله از این فهرست موافقت می‌کنید؟
۶. آیا مسائل دیگری وجود دارد که در این فهرست نیامده است؟
۷. چه اقدام سیاستی مطلوب و ممکن برای مواجهه با اینگونه مسائل می‌توان طراحی و در دستور اتاق های فکر آموزش عالی قرار داد؟

مدل اجرای تحقیق

ایده اصلی تحقیق این بود که؛ بدون توجه به نظام مسائل نمی‌توان سیاست پژوهی و پژوهش را دنبال کرد. لذا اگر بناست مسائل حوزه علوم، تحقیقات و فناوری شناسایی شود، ضروری است به یک روش کیفی و به طور خاص از شیوه تحلیل محتوای کیفی استفاده شود. مطابق شکل شماره ۱ برای انجام این تحقیق؛ در مرحله اول شناسایی و تبیین مشکلات نظام آموزش عالی مد نظر قرار گرفت. سپس مرحله دوم، به علت یابی و مساله یابی مشکلات نظام مستخرج از مرحله اول اختصاص یافت. در مرحله سوم، مسائل استخراج شده بر مبنای فوریت، اهمیت پیامدها، فرصت‌های سیاست پژوهی، اهمیت بر مبنای حلقه‌های بازخورد و روابط علت و معلولی اولویت بندی گردید. نهایتاً بر مبنای خروجی‌های مرحله سوم، شکل‌گیری اقدامات سیاستی و دستورهای کارگزاری در برخورد با مسائل مورد توجه قرار گرفت. این اقدامات سیاستی نیز با طی مراحل تحلیل مساله شروع شد. در واقع فرایند انجام سیاست پژوهی مدل‌های مختلفی دارد. در این تحقیق

سیاست پژوهی با تحلیل مساله، شکل گیری راهکارهای سیاستی، تحلیل و انتخاب راهکارها، پیشنهاد راهکارها، پیگیری و اجرا، و ارزیابی انجام گرفت.

دستاوردها

تدوین نظام مسائل آموزش عالی بر این منطق استوار بود که آموزش عالی یک سیستم تلقی می‌گردد و هر جزئی از سیستم اجزا دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، مشکلات و مسائلی هر جزء، با مشکلات و مسائل اجزاء دیگر ارتباط و به هم پیوستگی دارند. در پروژه حاضر، تدوین نظام مسائل آموزش عالی، بر طبق مدل مفهومی تحقیق به شرح نمودار شماره ۱ در چهار مرحله انجام شده است: در مرحله اول؛ شناسایی مشکلات نظام آموزش عالی مد نظر بوده است. در این مرحله، مشکلات نظام آموزش عالی کشور شناسایی شد. مشکلاتی که در این مرحله احصاء شدند در مجموع ۴۷ مشکل از مشکلات نظام آموزش عالی را پوشش می‌دادند که با بررسی نهایی و ادغام و تلفیق مشکلات احصاء شده به ۱۶ مورد مشکل به شرحی که در بالا آمد تقلیل پیدا کردند. و در نهایت در طی جلسات متعدد کارشناسی مشکلات و مسائل آموزش عالی، در سه سطح از اولویت، دستور کارگذاری به شرح جدول شماره ۱ انجام پذیرفت.

جدول ۱: مشکلات، مسئله‌بندی و دستور کارگذاری‌های لازم برای نظام مسائل آموزش عالی کشور

اولویت	مشکل	مسئله‌بندی	دستور کارگذاری
لایه اول مسائل آموزش عالی کشور			
۱	عدم گسترش آموزش عالی مبتنی بر آمایش سرزمینی	مشخص نبودن و تعیین نشدن نیازها و اولویت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری کشور به تفکیک ملی، مناطق و استان‌ها عدم تعیین علمی و دقیق ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی، مناطق و استان‌ها	- طراحی پژوهش سیاستی در خصوص بررسی و تعیین علمی و دقیق نیازها و اولویت‌ها و توانمندی‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری ملی، منطقه‌ای و استانی
۲	تؤام نبودن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور با کارکردهای تربیتی، اجتماعی، فرهنگی مصرح در سند دانشگاه اسلامی	شفاف نبودن ماهیت، ابعاد و شاخص‌های فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی و فرهنگی	طراحی پژوهش سیاستی در زمینه شفاف‌سازی ماهیت، ابعاد و شاخص‌های فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی
۳	ضرورت توجه به طراحی،	تعدد نهادهای نظارت و ارزیابی و عدم وجود یک	- پژوهش سیاستی به منظور

اولویت	مشکل	مسئله‌بندی	دستور کارگذاری
	اصلاح و تقویت نظام‌های ملی نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در آموزش عالی	نهاد و متولی ملی نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی	طراحی نهاد نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت ملی
۴	استقرار نیافتن نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی	عدم وجود الگوی مدیریتی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی	- طراحی پژوهش‌سیاستی تدوین الگوی مدیریتی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی
		کم‌توجهی در تربیت حکمرانان، سیاست‌گذاران و سیاست‌پژوهان آموزش عالی مبتنی بر شاخص‌ها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی	- دستور کارگذاری دوره تربیت حکمرانان و سیاست‌گذاران و سیاست‌پژوهان آموزش عالی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی
۵	ضعف در جهت‌دهی پژوهش‌ها و تولیدات علمی کشور به سمت نقش-آفرینی در حل مشکلات و رفع نیازهای (اقتصادی، اجتماعی و ...) کشور	عدم بودجه‌ریزی و اختصاص مبتنی بر عملکرد پژوهشی	- پژوهش‌سیاستی طراحی نظام بودجه‌ریزی عملکرد محور پژوهش و فناوری و مکانیزم‌های تخصیص از طریق نهادهای واسط
		عدم استفاده از الگوی توزیع بودجه از طریق نهادهای واسط و تقاضامحور	
		- ساماندهی نظام تقویت پژوهش‌های کاربردی و مسئله محور در آئین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی	- پژوهش‌سیاستی ساماندهی نظام تقویت پژوهش‌های کاربردی و مسئله محور در آئین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی
۶	نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور	مشخص نبودن حدود مدیریت و مرزبندی مأموریت‌ها و وظایف نهادهای مرتبط و در نتیجه موازی کاری بین آن‌ها	- پژوهش‌سیاستی باز طراحی و نگاشت نظام سیاستگذاری علم و فناوری و نوآوری کشور (نهادهای و ساختارها، جایگاه حقوقی، مأموریت‌ها، وظایف، اساس‌نامه و ...)
		نبود نظام و ساختار انسجام‌بخش و مقبول سیاستگذاری در نظام آموزش عالی کشور	- برگزاری نشست‌های سیاستی با حضور مسئولین نهادها - جریان‌سازی و گفتمان‌سازی

اولویت	مشکل	مسئله‌بندی	دستور کارگذاری
			عمومی و تخصصی قبل از ورود به مسئله
لایه دوم مسائل آموزش عالی کشور			
۷	ناکارآمدی نظام ملی آمار و اطلاعات در حوزه نظام آموزش عالی	ضعف ساختار و فرایند ملی در پایش و انتشار آمار و اطلاعات (همه حوزه‌ها)	- برگزاری نشست سیاستی با موضوع بررسی و بازطراحی ساختار و فرآیند ملی مناسب در پایش و انتشار آمار و اطلاعات
۸	توجه به مسئله تعامل با کشورهای اسلامی، منطقه-ای و بین‌المللی در حوزه آموزش عالی	ضعف مرجعیت آموزشی، پژوهشی و فناوری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی	- پژوهش سیاستی بررسی و شناسایی وضعیت مرجعیت آموزشی، پژوهشی و فناوری دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، علوم و رشته‌های کشور و کشورهای هدف و ارائه راهکارهای بهبود؛ - جریان‌سازی و گفتمان‌سازی مرجعیت علمی کشور در سطح منطقه و بین‌الملل با توجه به نتایج پژوهش سیاستی؛
		تسهیل ساز و کارها و اختیارات دانشگاه‌ها و اساتید در جذب دانشجویان و تعامل با اساتید خارجی	- تدوین گزارش راهبردی از طریق برگزاری نشست‌های سیاستی در خصوص راهکارهای تسهیل ساز و کارها و اختیارات دانشگاه‌ها و اساتید در جذب دانشجویان و تعامل با اساتید خارجی؛
۹	فقدان حمایت، تقویت و توسعه کرسی‌های آزاد اندیشی	ضعف در نظریه‌پردازی و تولید معرفت جدید	- پژوهش سیاستی با عنوان مولفه‌ها و راهکارهای جذب جامعه دانشگاهی به سمت تولید علم و ترویج کرسی‌های نظریه‌پردازی؛
لایه سوم مسائل آموزش عالی کشور			
۱۰	کیفیت پایین آموزش‌های نظری، مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها،	به روز نبودن برنامه‌های درسی، سرفصل‌ها و محتواهای آموزشی رشته‌های تحصیلی و آموزشی دانشگاه‌ها، مراکز و موسسات آموزش عالی	- مطالبه‌گری در تسریع کم و کیف بازنگری برنامه‌ها و محتواهای آموزشی و درسی دانشگاه‌ها با توجه نیازها و

اولویت	مشکل	مسئله‌بندی	دستور کارگذاری
	مراکز و مؤسسات آموزش عالی	کارآمد نبودن برنامه‌های درسی، سرفصل‌ها و محتواهای آموزشی رشته‌های تحصیلی و آموزشی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی	مهارت‌های واقعی صنعت، جامعه و بازار کار در رشته‌های مختلف و با تأکید بر چهار اصل؛ روزآمدسازی، کارآمدسازی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی
۱۱	اشتغال دانش‌آموختگان	نامتناسب بودن سطوح عرضه و تقاضای دانش‌آموختگان با نیازهای کشور	- مطالبه‌گری شیوه پذیرش دانشجویان بر اساس نتایج پژوهش‌های سیاستی فوق‌الذکر در مسئله آمایش با عنوان «بررسی و تعیین علمی و دقیق نیازها و اولویت‌ها و توانمندی‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری ملی، منطقه‌ای و استانی»؛
۱۲	ناکارآمدی نظام اجرایی سنجش و پذیرش دانشجویان (بویژه در دوره دکتری)	ضعف مأموریت‌گرایی در سنجش و پذیرش داوطلبان	- مطالبه‌گری و نهادینه‌سازی پذیرش دانشجویان بر مبنای مقوله مأموریت‌گرایی و بر اساس نتایج پژوهش‌های سیاستی فوق‌الذکر در مسئله آمایش با عنوان «بررسی و تعیین علمی و دقیق نیازها و اولویت‌ها و توانمندی‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری ملی، منطقه‌ای و استانی»؛
۱۳	مسئله‌گزینش و جذب اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی کشور	کم‌توجهی به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های علمی (شایسته‌گزینی) و نادیده گرفتن مسائل فرهنگی و اجتماعی در فرآیند جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و نظارت بر اجرای صحیح آن؛	- مطالبه‌گری بررسی توأم صلاحیت‌ها و شایستگی‌های علمی و فرهنگی و اسلامی در فرآیند جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و نظارت بر اجرای صحیح آن؛
۱۴	حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی	عدم وجود مدل و برنامه مناسب برای تحول توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی در کشور	- طراحی پژوهش‌های سیاستی طراحی و تدوین مدل توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی در کشور؛
۱۵	مسئله مهاجرت نخبگان و	عدم وجود شرایط کار و اشتغال مناسب برای	- تهیه گزارش راهبردی از طرق

اولویت	مشکل	مسئله‌بندی	دستور کارگذاری
	نوآوران علم و فناوری	نخبگان در کشور	رصد وضعیت اشتغال و بیکاری نخبگان و طرح و بررسی آن در نشست‌های سیاستی با حضور همه ذی‌نفعان و مسئولان (نخبگان، دانشگاه‌ها، صنایع، مسئولان کشوری و ...) و در نهایت ارائه راهکارهای بهبود به نهادهای ذی‌ربط جهت اصلاح و اجرای مطلوب آئین‌نامه‌های مرتبط با حوزه اشتغال آن‌ها؛
		فقدان امکانات، تجهیزات، تسهیلات و ابزارهای علمی، آموزشی و پژوهشی مناسب در کشور	طراحی پژوهش سیاستی از وضعیت و آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود علوم و رشته‌هایی که تمایل به مهاجرت نخبگان در آن‌ها بالاست؛
۱۶	مشکلات و ناتوانی‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری در سرمایه‌گذاری و خوداتکایی مالی	عدم حاکمیت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و مبتنی بر خروجی در دانشگاه‌ها	پژوهش سیاستی طراحی نظام بودجه‌ریزی عملکرد محور آموزش عالی و مکانیزم‌های تخصیص از طریق نهادهای واسطه؛
		ناکارآمدی مکانیسم تخصیص بودجه و منابع پولی و مالی در دانشگاه‌ها	

تشریح نمونه‌ای از مسائل شناسایی شده

از میان ۱۶ مساله‌ای که مورد شناسایی و تحلیل واقع گردید به تشریح دو نمونه پرداخته می‌شود: یکی از مسائل مهم و با فوریت بالا که مورد شناسایی واقع گردید؛ انسجام و هماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار است (مشکل شماره ۶ از جدول شماره ۱: نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور). این مساله با تحلیل منابع و اسناد بالادستی شناسایی و به شرح زیر تبیین و تحلیل گردید.

یکی از نیازمندی‌های لازم به منظور تحقق آرمان و چشم‌اندازهای نظام آموزش عالی کشور، وجود انسجام، هماهنگی و یکپارچگی نظام‌های سیاست‌گذار است. تا به تبع آن، برنامه‌ها و سیاست‌های کلان آموزش عالی نیز سازگار و همسو با هم عمل نمایند. ابعاد این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که ما در ساختار تصمیم‌گیری و سیاستگذاری نظام آموزش عالی کشور با نهادهای متعدد به لحاظ جایگاه دولتی و حاکمیتی (فرا دولتی) آن مواجه هستیم. در کنار نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی مانند؛ مجلس شورای اسلامی، معاونت علمی و

فناوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عتف که جایگاه دولتی دارند، نهادهای متناظر دیگری نیز همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که جنبه حاکمیتی و فرادولتی دارند و بیرون از ساختار دولت قرار دارند فعالیت می-کنند. اهمیت این مسئله زمانی آشکار می شود که عدم وجود هم افزایی و هم راستایی بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور می تواند سرنوشت این نظام و به تبع آن جامعه را به سمت و سوی غیر صحیح و ناهمسو با اهداف کلان علم و فناوری کشور مواجه سازد. همچنان که در فرایندی هم افزا و هماهنگ و در تعامل با یکدیگر، فعالیت این نهادها می تواند در سیاستگذاری و پیشبرد اهداف علم و فناوری و آموزش عالی کشور مفید باشد، در فرایندی غیر هم افزا و نبود هم راستایی بین آنها نیز می تواند سیاستگذاری ها، کارکردها و دستاوردهای کلان آموزش عالی را دچار انحراف سیاستی و کژکارکردی نماید. در نبود چینی فضایی، ممکن است سیاست های کلی و مأموریت های کلان نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور تحت الشعاع مأموریت های بخشی و سازمانی و گاه متضاد و متناقض با سیاست ها و مأموریت های کلان نظام آموزش عالی کشور قرار گیرد و این سیاست ها به درستی و تام و کمال تحقق پیدا نکند. مقام معظم رهبری نبود هماهنگی و انسجام در بین این نهادها را اینگونه طرح می فرمایند: "یکی از ضعف ها، ناهماهنگی هاست؛ در بخش های مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهش های علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش ها که در این زمینه ها همکاری می کنند، یک ارتباط و همکاری و هم افزایی دائم لازم است که مبدا این ها کار هم را خنثی نکنند یا حلقه های مفقوده و خلأهایی در این زمینه بوجود بیاید"^۱. به طور مثال، بررسی فرایند بازنگری، اصلاح و تصویب آئین نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور، سیاست شیوه سنجش و پذیرش دانشجویان، سیاست جذب هیئت علمی، سند ۲۰۳۰ و سایر سیاست ها نشان می دهد که بین نهادها (بوژه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) اختلافات و چالش های جدی وجود دارد. این موضوع باعث شده است که آن طور که بایسته و شایسته هست، سیاستگذاری های انجام شده به طور مناسب با سیاست پژوهی های انجام شده پیش نرود و فرایند کارشناسی و تخصصی خود را طی ننموده و در یک فرایند سیاست زده، شتاب زده و غیر علمی تصویب کردند.

براساس یافته های این پژوهش، در خصوص علت وجود این مساله، علت های متنوعی به شرح زیر مطرح است:

^۱ بیانات رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی - ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

۱. مشخص نبودن حدود مدیریت و مرزبندی مأموریت‌ها و وظایف نهادهای مرتبط و در نتیجه موازی کاری

بین آن‌ها

به عنوان مثال؛ اظهارات مسئولین و مدیران نهادهای آموزش عالی برگرفته از نتایج تحلیلی مصاحبه‌های این

پژوهش به شرح واحدهای تبیینی زیر، مؤید و نشانگر این علت بود:

واحد تبیینی ۱: وجود ابهام در مرزبندی قوانین و وظایف نهادها

واحد تبیینی ۲: نبود قوانین صریح و مشخص و شفاف در خصوص تکالیف و وظایف نهادها

واحد تبیینی ۳: خلاءهای قانونی و تفسیرپذیری وظایف نهادها

واحد تبیینی ۴: عدم وجود شفافیت و تداخل وظایف بین نهادها

واحد تبیینی ۵: شفاف نبودن وظایف نهادها در نسبت یکدیگر

واحد تبیینی ۶: دقیق معین و مشخص نبودن مأموریت نهادها

واحد تبیینی ۷: نبود چارچوب مشخص و معین در ایفای نقش نهادها

واحد تبیینی ۸: ورود موازی بعضی از نهادها به حوزه سیاستگذاری

واحد تبیینی ۹: معلوم نبودن مرز کار و وظایف نهادهای مختلف سیاستگذار

واحد تبیینی ۱۰: مشخص و شفاف نبودن حدود و دامنه قلمرو فعالیت نهادها

واحد تبیینی ۱۱: موازی کاری و هم‌پوشانی فعالیت‌های نهادها

واحد تبیینی ۱۲: مشخص و شفاف نبودن حد و مرز بین وظایف نهادها و دستگاه‌های درگیر در عرصه علم و فناوری کشور

واحد تبیینی ۱۳: ایجاد نهادهای موازی در دولت در نظام سیاستگذاری آموزش عالی کشور

واحد تبیینی ۱۴: ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به حوزه اجراء

واحد معنایی ۱۵: دخالت در وظایف و فعالیت‌های یکدیگر

۲. نبود نظام و ساختار انسجام‌بخش و مقبول سیاستگذاری در نظام آموزش عالی کشور

۳. وجود جهت‌گیری‌های سیاست‌زده، انتخاباتی و کوتاه‌مدت در میان نهادهای سیاستگذار و فقدان

رویکرد معطوف به هدف

۴. بی‌ثباتی و تغییر مدیریت‌ها و سیاستگذاری‌های کلان با تغییر دولت‌ها

۵. اولویت دادن منافع و سیاست‌های نهادی - سازمانی به سیاست‌ها - منافع ملی

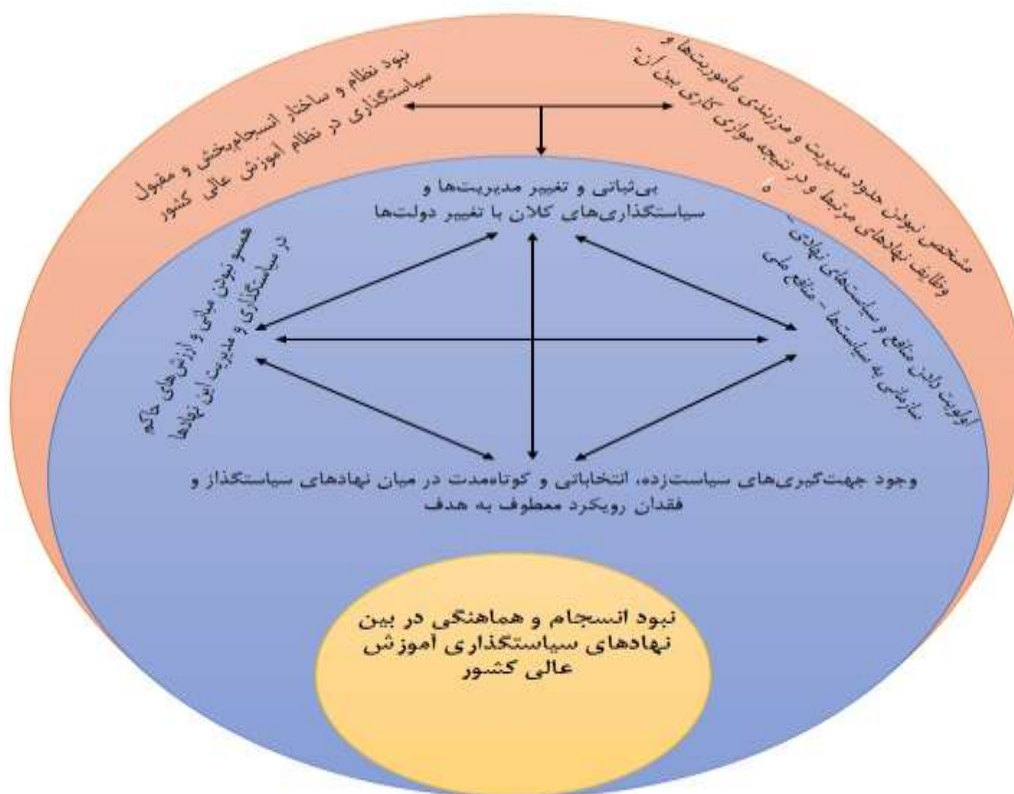
۶. همسو نبودن مبانی و ارزش‌های حاکم در سیاستگذاری و مدیریت این نهادها

بنابراین، با توجه به مباحث و تحلیل‌های فوق، مسئله اصلی از مشکل اصلاح نشدن ساختارها و نهادهای

سیاستگذاری آموزش عالی و علم و فناوری کشور و نبود انسجام و هماهنگی در بین این نهادها در

سیاستگذاری‌ها در صورت‌بندی علت‌های مذکور در قالب شکل شماره ۲ نشان داده می‌شود.

شکل شماره ۲: مسئله‌بندی مشکل «نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی»



طراحی دستور کار برای شکل‌گیری کانون‌های تفکر

در پایان گزارش، با توجه به مجموع یافته‌های مطرح شده در تحقیق، توصیه شده است برای مواجهه با هریک از این مشکلات، نسبت به تشکیل کانون‌های تفکر و برگزاری جلسات هم‌اندیشی، اقدامات لازم برای مدیریت و تجزیه و تحلیل راهکارها، توصیه‌های زیر زمینه‌سازی گردد:

- ۱- پژوهش سیاستگذاری "بازطراحی و نگاشت نظام سیاستگذاری علم و فناوری و نوآوری کشور (نهادهای و ساختارها، جایگاه حقوقی، مأموریتها، وظایف، اساس‌نامه و ...)"
 - ۲- برگزاری نشست‌های سیاستی با حضور مسئولین نهادها
 - ۳- جریان‌سازی و گفت‌وگو سازی عمومی و تخصصی برای ورود به مسئله
- برای آشنایی بیشتر با نتایج این گزارش، روش استخراج مشکل، علت‌یابی و مسئله‌بندی و طراحی دستور کار، در جدول شماره ۳ به عنوان یکی از مثال‌های عینی در تعریف مشکل شماره ۶ آورده می‌شود.

جدول شماره ۳: شرح استخراج مشکل، علت یابی و مسئله بندی و طراحی دستور کار «نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور»

شناسایی و تبیین مشکل	کدگذاری	علت یابی و مسئله یابی	مسئله بندی	طراحی دستور کار
<p>یکی از نیازمندی های لازم به منظور تحقق آرمان و چشم اندازهای نظام آموزش عالی کشور، وجود انسجام، هماهنگی و یکپارچگی نظام های سیاستگذار است تا به تبع آن، برنامه ها و سیاست های کلان آموزش عالی نیز سازگار و همسو با هم عمل نمایند. ابعاد این مسئله زمانی بیشتر می شود که ما در ساختار تصمیم گیری و سیاستگذاری نظام آموزش عالی کشور با نهادهای متعدد به لحاظ جایگاه دولتی و حاکمیتی (فرا دولتی) آن مواجه هستیم. در کنار نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی مانند؛ مجلس شورای اسلامی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عتف که جایگاه دولتی دارند، نهادهای متناظر دیگری نیز همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که جنبه حاکمیتی و فرادولتی دارند و بیرون ساختار دولت قرار دارند، فعالیت می نمایند. اهمیت این مسئله زمانی آشکار می شود که عدم وجود هم افزایی و هم راستایی بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور می تواند سرنوشت نظام آموزش عالی کشور و به تبع آن سرنوشت جامعه را به سمت و سوی غیر صحیح و ناهمسو با اهداف کلان علم و فناوری کشور پیش برد. همچنان که در فرایندی هم افزا و هماهنگ و در تعامل با یکدیگر، فعالیت این نهادها می تواند در سیاستگذاری و پیشبرد اهداف علم و فناوری و آموزش عالی کشور مفید باشد، در فرایندی غیر هم افزا و نبود هم راستایی بین آن ها نیز می تواند سیاستگذاری ها، کارکردها و دستاوردهای کلان آموزش عالی را دچار انحراف سیاستی، کژکارکردی نماید. در نبود چنین فضایی، ممکن است سیاست های کلی و مأموریت های کلان نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور تحت الشعاع مأموریت های بخشی و سازمانی و گاه متضاد و متناقض با سیاست ها و مأموریت های کلان نظام آموزش عالی کشور قرار بگیرد و به درستی و تام و کمال تحقق پیدا نکند. مسئله تعدد نهادهای سیاستگذار آموزش عالی و نبود انسجام و هماهنگی بین این نهادها سبب شده است که بررسی سیاستگذاری انجام شده (در آموزش عالی) نیز موند این مسئله و نبود هم افزایی و هماهنگی بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی است. به طور مثال، بررسی فرایند بازننگری، اصلاح و تصویب آئین نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور، سیاست شیوه سنجش و پذیرش دانشجویان، سیاست جذب هیئت علمی، سند ۲۰۳۰ و سایر سیاست ها نشان می دهد که بین نهادها (بویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) اختلافات و چالش های جدی در این زمینه وجود داشته است و این موضوع باعث شده است که آن طور که بایسته و شایسته هست، سیاستگذاری های انجام شده به طور مناسب با سیاست پژوهی های انجام شده پیش نرود و فرایند کارشناسی و تخصصی خود را طی ننموده و در یک فرایند سیاست زده، شتاب زده و غیر علمی تصویب گردند.</p>	<p>نبود انسجام و هماهنگی در بین نهادهای سیاستگذاری آموزش عالی</p>	<p>مشخص نبودن حدود مدیریت و مأموریت ها و وظایف نهادهای مرتبط و در نتیجه موازی کاری بین آن ها؛</p> <p>نبود نظام و ساختار انسجام بخش و مقبول سیاستگذاری در نظام آموزش عالی کشور؛</p> <p>وجود جهت گیری های سیاست زده، انتخاباتی و کوتاه مدت در میان نهادهای سیاستگذار و فقدان رویکرد معطوف به هدف؛</p> <p>بی ثباتی و تغییر مدیریت ها</p> <p>سیاستگذاری های کلان با تغییر دولت ها؛</p> <p>اولویت دادن منافع و سیاست های نهادی - سازمانی به سیاست ها - منافع ملی؛</p> <p>همسو نبودن مبانی و ارزش های حاکم در سیاستگذاری و مدیریت این نهادها.</p>	<p>مشخص نبودن حدود مدیریت و مأموریت ها و وظایف نهادهای مرتبط و در نتیجه موازی کاری بین آن ها؛</p> <p>نبود نظام و ساختار انسجام بخش و مقبول سیاستگذاری در نظام آموزش عالی کشور؛</p> <p>سیاستگذاری های مرتبط و در نتیجه موازی کاری بین آن ها؛</p> <p>نبود نظام و ساختار انسجام بخش و مقبول سیاستگذاری در نظام آموزش عالی کشور؛</p>	<p>پژوهش - سیاستی باز طراحی و نگاهت نظام سیاستگذاری علم و فناوری و نوآوری کشور (نهادهای ساختارها، جایگاه حقوقی، مأموریت ها، وظایف، اساس - نامه و ...)</p> <p>- برگزاری نشست های سیاستی با حضور مسئولین نهادها - جریان سازی و گفتمان سازی عمومی و تخصصی قبل از ورود به مسئله</p>

حمید جاودانی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

بنده فکر می‌کنم که در تمامی قلمروهای آموزش عالی مشکل شناخت شناسانه وجود دارد. این مشکل شناخت شناسی از جمله آسیب‌های که دارد در مساله یابی ما را دچار مشکل می‌کند. چون مساله یابی ما بیشتر نیازمند مطالعاتی است که ریشه‌های شناخت شناسانه را جستجو می‌کند. در حقیقت وقتی گفته می‌شود ریشه‌های شناخت شناسانه یعنی اینکه اساساً آموزش عالی به چه معناست؟ به نظر بنده در این طرح یک رویکرد از بالا به پایین حاکم است. بدین معنی که تصور می‌شود نهاد سیاست گذاری توان و صلاحیت شناسایی مسائل و حل آن به صورت یک طرفه را دارد. سوال این است که به فرض نهاد سیاست گذاری مسائل را شناخت و سیاست گذاری نیز کرد، آیا مسائل آموزش عالی حل می‌شود؟ مسأله اصلی آموزش عالی ایران مساله کنشگران درون دانشگاهی است؛ مسائل دانشجویان و اعضای هیأت علمی است. اصلاً بررسی شود سیاست‌های که این نهادهای سیاستگذار داشته‌اند، چه نقشی در آموزش عالی داشته است؟ چقدر از آن اجرا شده است؟ ببینید وزارت خانه درست عکس قانون عمل می‌کند. لذا این بحث‌های مبتنی بر رویکرد بالا به پایین به جایی نخواهد رسید چرا که چیزی که به اسم دانشگاه در ایران است اصلاً مطابق با مفهوم دانشگاه نیست. در چنین شرایطی چه انتظاری می‌توان داشت؟ آیا دانشگاه‌ها می‌توانند کاری کنند که باعث خرسندی و آسایش مردم بشود؟ یا به طور مثال اگر شاخص‌های علمی سنجی ایجاد شود به آن نتیجه مد نظر خواهیم رسید؟ خوب این شاخص‌ها که بسیار نیز رشد کرد ولی نتیجه برعکس بود. دلیل چیست؟ این فساد عظیمی که در دانشگاه‌ها است، از کجا ریشه گرفته است؟ دقیقاً از همین کج فهمی‌ها ریشه گرفته است.

هنگامی که به دانشجوی دکتری گفته می‌شود دفاع از رساله دکتری مستلزم چاپ دو مقاله علمی پژوهشی است، مشخص است دزد بازار راه می‌افتد. ما چرا می‌خواهیم اینها را بپوشانیم؟ بنده واقعا توجه کردم، در نشستی که در خصوص دفاع از دانشگاه برگزار شد، واقعا باید پرسید کدام دانشگاه؟ اصلاً چرا دانشگاه نیاز به دفاع داشته باشد؟ در ثانی با یک همایش می‌توان از دانشگاه دفاع کرد؟ دفاع از دانشگاه باید در عملکرد آن باشد البته این امکان وجود دارد که از مفهوم دانشگاه دفاع کرد. ولی این رویکرد ساختارگرایانه‌ای که حاکم است این اجازه را نمی‌دهد. اصلاً این سوال مطرح شود که این ساختار از ما چه می‌خواهد؟ وقتی اصلاً مفهوم دانشجو مشخص نیست. مفهوم هیأت علمی مشخص نیست. دانشگاه یعنی چی؟ وقتی ما می‌گوییم چند هزار دانشگاه داریم نشان از آن است که ما واقعا نمی‌دانیم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم. خوب اگر اینها درست نشود، مشخصاً وضعیت به همین ترتیب می‌شود. این موارد نیازمند مطالعه است، فهم اینکه

ما اصلاً دنبال چه چیزی هستیم. به کی گفته می شود استاد؟ آیا افرادی که واقعا در دانشگاه های ایران مشغول هستند استاد هستند؟ یا افرادی که به عنوان دانشجو قلمداد می شوند، دانشجو هستند؟ دانشجویی که تمام تلاشش این است که یک مقاله ای بنویسد و استادش هم نظارت درستی ندارد، خب این به کجا می رسد؟ این موارد نشان می دهد آن رویکرد حاکم در ابهام است که بعد از چهل سال تازه در پی تبیین الگوی آن در قالب الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت هستند. آن وقت نقش این نهادی های به اصطلاح دانش آفرین در آن مشخص می شود. لذا با این رویکرد بالا به پایین این طرح را می توان به عنوان شناسایی مسائل نهادهای سیاست گذار در آموزش عالی ایران در نظر گرفت و نه شناسایی مسائل آموزش عالی ایران، چرا که شناسایی مسائل آموزش عالی ایران در ابتدا نیاز به بررسی ریشه های مفهومی دارد. تا مشخص نشود که دانشگاه یعنی چه؟ و از دانشگاه چه انتظاری می توان داشت؟ نمی توان مسائل را شناخت شناسی کرد. در نتیجه این مسائلی که اینجا مطرح شد مسائل روبنایی است و هیچ کدام مسائل آموزش عالی ایران نیست، یعنی مسائلی که بتواند به حل شدن بیانجامد. به طور مثال همین مساله ای که شناسایی شده یعنی عدم انسجام و همانگی میان نهادهای سیاست گذاری. خب الان یک نهاد حذف بشود، نهاد دیگر چه کار می تواند بکند؟ حتی سیاست ها و اقدامات این نهادها خود باعث ناکارمندی دانشگاه در ایران شده است. علت آن هم ناآگاهی و نادانی نسبت به مفاهیم و مسائل آموزش عالی است و حذف یا اضافه کردن نهادهای سیاست گذار مساله ای را به صورت دقیق شناسایی و حل نمی تواند بکند. لذا اگر روی مفاهیم اساسی اجماع وجود نداشته باشد تمامی اقدامات و سیاست ها مجدد بازتولید همین شرایط است.

نکات پیشنهادی دکتر یزدان پناه در پاسخ به این گفتگو:

- توجه به تفکیک مسائل آموزش عالی و مسائل نهادهای آموزش عالی در این گزارش و انتشار گزارش تکمیلی
- ضرورت برگزاری جلسات کارشناسی و اجماع برای بازتعریف و پذیرش مفاهیم آموزش عالی، استاد، دانشجو، دانشگاه، ... برای تبیین دقیق تر مسائل حوزه آموزش عالی.

هادی مرجائی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

بنده تمایل دارم در ارتباط با این بحث، تجربه ای که دیروز خدمت همکاران محترم در دانشگاه علوم پایه زنجان در ارتباط با هنجارهای علمی داشتیم را به اشتراک بگذارم. یکی از کارهای که ما در ارتباط با اخلاق و هنجارهای انجام می دهیم، بازخوانی سند منشور اخلاق در پژوهش مصوب معاونت پژوهشی وزارت عتف است. اولین فرازی که در ارتباط با این منشور آمده است، اولاً فقط دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها را مخاطب قرار داده است و چون با صدای بلند می خوانیم و من از همکاران می خواهم این را تحلیل

محتوا کنند. در این راستا همه به دقت بلافاصله می پرسند که فقط دانشجو و اعضای هیأت علمی می بایست اخلاق را رعایت کنند؟ سازمان علم، متولیان، سیاست گذاران و.. چی؟ دومین فرازی که ما در این منشور مرور می کنیم بسیار فراز جالبی است. نوشته شده کشف حقیقت و فقط حقیقت. فراز اول که هدف علم است، سپس مواردی را ذکر کرده و حدودا ۳۰ مورد است و بسیار هم موارد جالبی هستند. انتهای این منشور نوشته شده با توجه به منافع ملی همه اینها رعایت شود. یکی از مناقشه های که دیروز در جلسه شکل گرفت این بود که همکاران می گفتند با تفسیری که از منافع ملی شد چگونه می بایست کشف حقیقت را در قالب چنین تفسیر محدودی بگنجانیم؟ مناقشه ی دیگری در چارچوب این هنجارها در خصوص آزادی علمی مطرح شد. راجع به این دوباره اعضای هیأت علمی بیان کردند که حد و حدود این آزادی علمی چیست؟ و چقدر ما از آن بهره مندیم؟ هنجار بعدی متمرکز بر صلاحیت و شایستگی کارورزان علم بود و بلافاصله همه وارد بحث سیستم سنجش شدند و تجربیات مختلفی از این منظر که دانشجویی که باید به ما تحویل داده بشود آن دانشجویی نیست که واقعا نخبه و مستعد باشد مطرح شد و اینکه لذا سیستم سنجش ما مشکل دارد.

دوباره به اتفاق درباره جذب اعضای هیأت علمی که این هیأت علمی نیز که وارد سیستم می شود باکیفیت نیست. فراز دیگر، بحث استقلال بود. یک پژوهشگر و دانشمند دانشگاهی می بایست استقلال داشته باشد. اعضاء دوباره در این زمینه وارد مناقشه شدند و بیان کردند که استقلالی وجود ندارد و ما خودمان در شکل دهی دانشگاه استقلال نداریم. دیگر فرازی که مطرح شد اینکه یک دانشورز باید رویکرد جهان شمول و بین المللی داشته باشد. دوباره بحث از مشکلات و مسائل بین المللی شدن و موارد مرتبط شکل گرفت. بحث به اینجا کشید که علم یک سنت بشری است یا یک سنت ایرانی؟ اگر علم یک سنت بشری است، هنجارهای علم را همه بشریت با هم به اینجا رسانند. ما لایه های آن را در نحوه سیاست گذاری علم در ایران هم باید بینیم. در حالی که لیستی از یک منابع سیاست ها ارائه شد که اگر بینید ما یک خطای ساختاری را انجام دادیم. به نظر بنده خود ما که سیاست ورز هستیم. شروع خیلی عمیقی از ماجرا نداریم و به عبارتی افق مرحله شناخت شناسی مان خیلی کوتاه است. به همین دلیل از اینجا دچار یک سری انحرافات می شویم که این سازه رو بعد از چهل سال نیز به خوبی نمی توانیم بالنده کنیم. ببینید دلیلی که همه آن دوستان از منشور اخلاق ترسیدند، تناقض حقیقت طلبی با منافع ملی بود. به یک باره متوجه شدند که منافع ملی مان آنقدر از سنت های بشری و سنت های بین المللی دور است که کارورز علم خود را در یک لایه ی خیلی ضعیفی می داند. در نتیجه بحث به اینجا کشیده شد که این هنجارها خوب هستند اما زمین ما نامناسب و کج است. بنده در زمین کج چگونه راست بگویم؟ چگونه صداقت، جسارت و.. داشته باشیم؟ خود دوستان مثال های می زدند از جنگ جهانی دوم و انحرافی که دانشمندان در همراهی با ایدئولوژی مسلط آن روز

آلمان به بار آورده بودند و چه فاجعه بشری را رقم زده بود. یعنی بشریت این مساله را یک بار تجربه کرده است. وقتی دانشمندان با تاریخ مسلط اون دوران همراهی کردند یک بدختی بزرگ بشریت بوده است. دانشمندی بدین معناست که فراتر از قومیت، جناح ها، منافع مسلط ایدئولوژیکی گذرا بایستد و این شأن را ما گم کردیم و این یک انحرافی است که در ساختار آموزش عالی ایران وجود دارد.

البته دانشگاه ها این را فهم کرده اند و رسماً توقع آنها این است که زمین را درست کن، ارتباطات سازنده را به من بده؟ در چنین شرایطی، من نه از نرم افزار تقلبی استفاده می کنم، نه دچار تقلب می شوم، نه دانشجوی من دچار تقلب می شود. از طرفی، دانشجو و عضو هیأت علمی نیز می بایست صلاحیت لازم را داشته باشد. دانشجویی باید باشد که من واقعا بتوانم با وی کار علمی انجام بدهم. نکته مهم دیگر اینکه توجه کنیم که علم را در دریاچه بیانات اسناد بالادستی ایران خلاصه نکنیم چرا که علم یک یافته و تلاش بشری است، یک تاریخ فوق العاده غنی دارد و جاهای دیگر نیز با علم خیلی با بلند نظری برخورد می کنند. در آخر از تجربه زیسته خودم در کشور هند عرض کنم. ببینید دوستان ما باید این کشورها را رصد کنیم که چه اتفاقی اونجا در حال رخ دادن است. علم در هند، درست طراحی شده است. اینها یک برنامه (GIAN) طراحی کردند. این برنامه یعنی اینکه دانش پیشرفته بشری با هر هزینه ای بلافاصله به هند منتقل شود. به واقع در این برنامه دانش فنی برتر در تمامی حوزه های علم رصد می شود و بر آن مبنا یک کارگاهی برای اعضای هیأت علمی یا مدیران جهت جذب آن دانش برگزار می شود.

علم یعنی این، علم یعنی دنیا را بپذیری، راجع به اون بتوانی حرف بزنی، راجع به اون بتوانند بیانند برای تو حرف بزنند، و بتوانی نظام خود را بر اساس آن بگسترانی. همچنین یکی از مهم ترین شرایط حوزه علم بستر حمایتی آن است. چیزی که در ایران خیلی بها داده نمی شود. شاهد این مدعا نیز تحقیقی است که انجام گرفته و مشخص شده ۸۵ درصد دانشجویان دکتری در ایران حمایت مالی ندارند. تحقیقی که بنده در هند داشتم بالای ۹۰ درصد دانشجویان دکتری از حمایت مالی مناسبی برخوردارند. به طوری که هر دانشجوی دکتری در هند حدود ۳۵ هزار روپیه اسکولارشیپ می گیرد. این حمایت به پول الان ایران چیزی حدود شش میلیون تومان است. ببینید این حمایت باعث می شود کارورز علم در موقعیت خودش قرار گیرد. لذا ما صحبت مان هم همین بود که هنجارهای علم در راهروهای دانشگاه نیست. این مهم در موقعیت هاست. در موقعیت دستیاری است، در موقعیت آموزش است، این کارورز باید در این موقعیت بشیند، حقوقش هم دریافت کند و با آرامش تمام هنجار علم هنگام تولید علم لحاظ شود. این بحث ها نشان می دهد که ما اسناد بالادستی مان را خیلی کوتاه در نظر گرفته ایم. به واقع اسناد ما در قیاس با تاریخ علم اسناد پایین دستی است نه اسناد بالادستی چون اسناد بالادستی علم چیز دیگری است که ویژگی های آن مطرح شد.

نکات پیشنهادی دکتر یزدان پناه در پاسخ به این گفتگو:

- توجه به استخراج نکات و مسائل مطرح شده در اسناد بالادستی تاریخ علم، با رویکرد جهان‌شمول برای تقویت منابع مورد مطالعه این گزارش.

نسرین نورشاهی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

بنده فکر می‌کنم که نقطه شروع این پروژه یک مقدار برای محققان محدودیت ایجاد کرده است. به واقع، نقطه شروع پروژه اسناد بالادستی بوده است ولی به نظر بنده نقطه شروع پروژه می‌توانست چارچوب و مبانی نظری علم آموزش عالی باشد و سپس بر مبنای مولفه‌ها و عناصر آن بررسی شود که آموزش عالی ایران با چه مسائلی روبرو است؟ بدین معنی که انگار خیلی کوتاه و بسته نگاه شده است. نکته دیگر که اینجا به نظرم می‌رسد تفاوتی است که بین بحث آموزش عالی و دانشگاه وجود دارد. شاید دسته‌بندی مسائل در سطح خرد و کلان اینجا بتواند کمک‌کننده باشد. این هم یک وجه دیگری است که شاید می‌توانست به این پروژه کمک کند. یک مساله دیگر اینکه به هر حال ادبیات آموزش عالی حداقل در دهه اخیر در کشور ما نیز مقداری توسعه پیدا کرده است. الان رشته‌های آموزش عالی در مقطع ارشد و دکتری توسعه یافته است و کارهای خیلی خوبی در حال انجام است. سوال این است چرا در این پروژه از پتانسیل و ظرفیتی که در این چند سال اخیر در مطالعات، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیقی حوزه آموزش عالی و اتفاقاً آسیب‌شناسی و پدیده‌شناسی و مساله‌شناسی آموزش عالی، چرا در این پروژه ما اصلاً اثری نمی‌بینیم؟ و نکته دیگر اینکه برخی مواقع به بحث آموزش عالی و برخی مواقع نیز به بحث علم و فناوری اشاره شده و این خط و خطوط مشخص نیست و لذا موضع پروژه را ابتدا مشخص نبوده است؟ اینها نکاتی بود که به ذهنم رسید. بنابراین بنده فکر می‌کنم، فراتحلیل آندسته از مطالعاتی که حداقل در دهه اخیر در حوزه تخصصی آموزش عالی انجام شده می‌توانست بخش مهمی از این پروژه را شکل بدهد. ضمن آنکه چارچوب مبانی نظری علم آموزش عالی نیز می‌توانست یک مبنایی باشد برای ورود به بحث تدوین نظام مسائل آموزش عالی ایران.

نکات پیشنهادی دکتر یزدان پناه در پاسخ به این گفتگو:

- توجه به استخراج مسائل آموزش عالی و مسائل دانشگاه بصورتی جداگانه در سطح خرد و کلان.
- آسیب‌شناسی و مساله‌شناسی آموزش عالی از مسیرهای دیگری نظیر؛ بررسی مطالعات پژوهشگران، پایان‌نامه‌های تحصیلی، و سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه علم و فناوری، موجب غنای گزارش می‌شود.

مقصود فراستخواه؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

ببینید مساله با دو رویکرد مساله شناسی و مساله گشایی می تواند مورد بررسی قرار گیرد. مساله شناسی رویکردی گذشته نگر است. در چنین شرایطی مسائل، احصاء و شناسایی شده و با یک صورت بندی علمی مواجه و برخوردار از وجاهت روش شناسی و معرفت شناسی بیان می شود. رویکرد دیگر مساله گشایی است، بدین معنی که ما در آینده با چه مسائلی مواجه خواهیم بود؟ با این روندها و روش های که وجود دارد چه مسائلی در انتظارمان است؟ در حقیقت ما به سوی آینده مبهمی پرتاب می شویم که از دل آن مسأله های زاده می شود که هیچ گونه آشنایی با آنها نداریم. نه مسائلی که الان وجود دارند و ما فقط می خواهیم آنها را احصاء کنیم. لذا چیزهای نیز وجود دارد که هنوز آنها برای ما ناشناخته هستند. خب چگونه می توان این مسائل را شناخت؟ دوستان مطرح کردند که یک حالت شناخت مسأله از طریق محک زدن با اسناد و تصمیمات کلان رسمی آموزش عالی امکان پذیر است. یعنی شکاف بدینگونه استخراج شود که ما چه تصمیماتی گرفته ایم. چه قول و قرارهایی و چه اسناد مرجع رسمی داشته ایم و بر اساس آنها خودمان را به محک می زنیم و شکاف ها و مسائل را شناسایی می کنیم. یک روش دیگر می تواند نظرداشت به عملکرد و نه اسناد باشد. به واقع یکی از چیزهای گمراه کننده در ایران به طور کلی سندها است. چون ایران کشور سندها است. ایران کشور متن های زیبا و ساختارهای زشت است. ایران کشور کلمات خوب و عملکردهای بد است. بنا به فرمایشات دوستان، گاهی اوقات کلمات مان نیز ایراد دارد، ولی آن مقدار ایراد که در سر صحنه و در عملکرد ما وجود دارد، انصافاً آن مقدار ایراد شاید در اسناد نباشد، ولی در عمل و در واقع در زمین ایران مشکل وجود دارد. در واقع، آسمان ایران چیزهای خوبی دارد ولی در زمین حرکت و عملکردمان مشکل دارد. بنابراین یک روش دیگر شناخت مساله می تواند توجه به عملکرد باشد. به عملکرد داده های سخت گفته می شود. به واقع، داده های نرم نیست. یعنی نگاه می شود که بخش آموزش عالی یا علم و فناوری برنامه های توسعه در برهه های زمانی مختلف به کجا رسیده است؟ سندهای جامع به کجا رسیده است؟ به اصطلاح عملکرد با هدف ها مقیاس شده و آن گاه شکاف ها شناسایی می شود.

یک روش دیگر نیز بر مبنای ادبیات آموزش عالی یعنی منظرهای جهانی و مباحث تئوریک، مباحث مفهومی و آن چراغی است که نظریات آموزش عالی برای ما روشن می کند که دانشگاه به چه معناست؟ اساساً آموزش عالی تعریفی دارد و بر مبنای آن تعاریف ما چقدر کار کردیم؟ اما یک نکته ای که بنده می خواهم مشارکت کوچکی در این بحث داشته باشم، بحث بررسی زمینه است. رفتن به سراغ خود ذی نفعان، یعنی نه از متن ها و نه از تئوری ها و نه حتی از عملکردها، بلکه با مراجعه به ذی نفعان آموزش عالی مسائل مورد شناسایی واقع شود. آقای کسب و کار، خانم جهان اجتماعی، نهادهای اجتماعی، دانشجویان، دانش آموزان، اعضای هیأت علمی، مالیات دهندگان، انجمن های علمی و تخصصی، نهادهای محلی، کردستان،

بلوچستان، مسأله آموزش عالی کجاست؟ ببینید. یعنی در واقع کسانی که از نتایج آموزش عالی متضرر می شوند و یا کسانی که از آموزش عالی نمی توانند نصیب ببرند در حالی که خرج می شود از خرج آن ها برای آموزش عالی بدون حاصل آمدن آورده ای، مسائل پرسیده شود. البته روش مراجعه به ذی نفعان می بایست فنی و روشمند باشد تا مشخص شود، واقعا آنهايي که تحت تاثیر آموزش عالی قرار می گیرند چقدر نفع می برند؟ مثلا بچه های خود را به دانشگاه می فرستند، هزینه می کنند، از سایر هزینه های خود می کاهند، ولی آورده برای آنها چیست؟ یا عرض کردم از سایر ذی نفعان از جمله صنعت، کسب و کار، جامعه علمی محلی، نهادهای اجتماعی، تخصصی، دانش آموختگان، دانشمندان و.. پرسیده شود. یک منبع مهم دیگر مهاجران است. پرسیده شود که چرا گذاشتید رفتید عزیز؟ از این دانشمندان، این مغزهای سرگردان ایرانی که در دنیا هستند و ارزش افزوده آنها هم گاهی به دنیا می رسد و به خود ما نمی رسد، پرسیده شود که مثلا چرا تردد نمی کنید؟ چرا نخبگان فقط می روند به جای اینکه هم بروند و هم بیایند؟ علت، مساله های ما هستند.

رویکرد دیگر در مساله شناسی، مطالعات تطبیقی است. یعنی مقایسه تجربه های خودمان با تجربه های کشورهای هم حال خودمان. نه اینکه زود برویم کشورهای اسکانداوی، یا آمریکای شمالی یا کانادا یا فرض کنید اروپا و.. را مورد تطبیق قرار بدهیم. البته بررسی تجارب این کشورها نیز در جای خود مفید است ولی من بیشتر تاکید و به عبارتی درد و رنجم این است که کشورهای که خیلی از ما دیرتر شروع کردند، کشورهای که یا هم زمان با ما شروع کردند یا بعد از ما شروع کردند و یا ثروت ملی و GDP آنها و.. خیلی از ما کم تر بود، الان از ما خیلی جلوتر هستند. ببینید رتبه ما در GDP فکر می کنم الان ۲۵ باشد و تا جایی که من مطالعه کردم ما در این شاخص جزو کشورهای ثروتمند دنیا هستیم، ولی از لحاظ شاخصی که از این ثروت چقدر نیک بختی اجتماعی حاصل آمده است، از میان ۱۷۸ کشور ما حدودا ۱۴۳ هستیم. بنابراین چطور می شود یک ملتی جزء کشور ثروتمند دنیا باشد، ولی در شاخص نیک بختی اجتماعی رتبه پایینی را کسب کرده باشد؟ بخشی از این داستان به آموزش عالی می گردد. اتفاقا بیشتر از اینکه حتی به سر صحن دانشگاه ها برگردد، به سیاست های آموزش عالی و حتی حکمرانی آموزش عالی بر می گردد. به متولیان متعدد آموزش عالی مرتبط است که الان حتی تقریبا وزارت عتف نیز از اختیار زیادی برخوردار نیست. در مجموع می خواهیم بگوییم که یک راه شناسایی مساله نیز شناخت تجربه کشورهای در حال توسعه است. یعنی کشورهای که مثل ما یک کشور در حال توسعه هستند. به طور مثال بررسی شود که قطر چه کار کرد؟ یا امارات، کویت، حالا این کشورها که نفت دارند. بعضی از کشورها مثل ترکیه، مالزی و.. که می توانیم خودمان را با آنها مقایسه کنیم، چه کار کردند؟ لذا می توان مسائل آموزش عالی را از طریق انجام چنین مطالعات تطبیقی نیز مورد شناسایی قرار داد.

نکات پیشنهادی دکتر یزدان پناه در پاسخ به این گفتگو:

- توجه به استخراج مشکلات پیش آمده پس از اجرای اسناد بالادستی.
- تقویت گزارش با مراجعه به ذینفعان مختلف آموزش عالی برای تبیین و پرسشگری بیشتر مسائل آموزش عالی
- مساله شناسی آموزش عالی از طریق مطالعات تطبیقی به کمک تجربه های کشورهای دیگر.

محمد جواد صالحی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

به اعتقاد بنده اسناد بالادستی ما بسیار خوب نوشته شده است. البته بخش های ایدئولوژیک زده آن را واقعا قبول ندارم و دوست ندارم اصلا مباحث ایدئولوژیک وارد بحث های علمی بشود. ولی در کل به هر حال اسناد بالادستی ما بسیار خوب و جالب است، اگر ما بتوانیم به همان ها عمل کنیم که خیلی پیش رفتیم. لذا واقعا موضع منفی در قبال این اسناد نمی توان گرفت و اکثر اسناد بالادستی ما اگر نگاه کنید خیلی خوب هستند.

داود حاتمی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

مساله بسیار خوبی را کارکردید اما خب می دونید که این موضوع در ذات خودش ژرف است. یعنی هم جهانی است هم ملی است. البته کیهانی هم است. یعنی مریخ هم دست داره در دستاوردهای دانش. یعنی اینکه کاملا فراگیر است. بنابراین اظهارنظرهای ابعادالمختلف سروران گرامی من که در واقع کارشناسان مستقیم این مباحث هستند برای ارائه شما سهمگین و ناگوار نباشد. چیزی که برای من دلاویز بود در عنوان شماست و اجازه بدید از همینجا شروع کنم و شما اگر صلاح دانستید توضیح دهید. تدوین نظام مسائل من دنبال این بودم که این پژوهش می خواهد به من بگوید که نظام مسائل آیا زنجیره پیوسته منطقی مسائل را می خواهد اینجا مطرح کند که مسائل چیست و اینها چه رابطه علی با یکدیگر دارند. این یعنی احتمالا دستورکار است. برای من این اصلا خودش الان یک دسته بندی است. که این پژوهش می خواهد بگوید اول این مساله بعد این مساله سوم این مساله بعد چه ارتباطی بین اینها هست و بعد این نظام مسائل تدوین شود. نکته دیگر در مورد گزاره ها است. آنچه در محورهای مختصات متعلق به طرف مثبت است، طرف منفی هم در آن بود. یعنی این باهم بودگی مسائل برای من ابرناک و شبه ناک بود. مثلا فرض کنید توجه و عدم حمایت. توجه که مثبت است ولی عدم توجه منفی است. بنابراین نیاز به یک ویرایش مطالب را من در این گزارش می بینم. بعد مثلا فرض کنید اینجا برای من مساله بندی و اولویت بندی مسائل ولی سوال این است واقعا مساله بندی اولویت بندی است؟ به نظر من هر مساله بندی لزوم اولویت بندی آن نیست. اولویت بندی فرع بر ماجراست.

نکات پیشنهادی دکتر یزدان پناه در پاسخ به این گفتگو:

- ویرایش آندسته از مسائلی که در گزاره خود از واژه های مثبت مثل توجه استفاده شده است.
- تدوین نظام مسائل به گونه ای که مسائل آن در یک زنجیره پیوسته منطقی مطرح شوند و رابطه علی آنها نیز با یکدیگر مشخص گردند.